

مقایسه بیانی گلستان سعدی و منشآت قائم مقام فراهانی

سپیده اسکندری، هنگامه آشوری*، مهرانگیز اوحدی

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مرداد ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۵، صفحات ۱۰۱-۱۱۶

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵. ۶۳۷۴

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: گلستان سعدی از جمله آثار است که بدلیل ویژگی خاص ساختار و محتوا همواره مورد توجه بوده و تقلیدهای فراوانی از آن شده است؛ این تقلیدها گاه در زمینه محتوا و گاه در نوع نثر و ساختار آثار بعد از سعدی دیده میشود. قائم مقام فراهانی از سیاستمدارانی است که با این کتاب آشنایی کامل داشته و در نگارش منشآت خود از *گلستان* تقلید کرده است؛ این پژوهش با هدف مقایسه میان کاربرد ابزارهای بیانی در گلستان و منشآت، شناخت تشابه و تفاوت سبک بیانی سعدی و قائم مقام و شناخت نوع بینامتنیت انجام گرفته است.

روش مطالعه: این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام میگردد؛ به این ترتیب که ابتدا ابزارهای بیانی شامل تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز در گلستان و منشآت استخراج و آمارگیری میشود و سپس براساس نمودارهای ترسیم‌شده به تحلیل و مقایسه پرداخته میشود. جامعه آماری این تحقیق صد صفحه ابتدایی از هر دو کتاب است.

یافته‌ها: در کتاب منشآت، علاوه بر اصطلاحات و اشعار، از نظر ویژگیهای ساختاری در نثر مسجع نیز، نشانه‌های تقلید از گلستان سعدی دیده میشود. قائم مقام بیشتر از جهت کاربرد آرایه‌های لفظی مانند سجع و جناس از سعدی تبعیت نموده ولی از آرایه‌های بیانی که در گلستان بکاررفته تبعیت نکرده است. بیشترین اختلاف میان سعدی و قائم مقام، در کاربرد کنایه است. کنایه در گلستان نسبت به منشآت بسامد فراوانتری داشته است. این امر بخاطر تفاوت موضوعی دو اثر است که ایجاب میکند سخن واضحتر باشد و کنایه سخن را بسمت ابهام بیشتر مبدد.

نتیجه‌گیری: قائم مقام در مقایسه با سعدی از تشبیهات گسترده‌تری استفاده کرده، بسامد تشبیه بلیغ در اثر او کمتر از گلستان است اما بسامد کلی تشبیه نسبت به سایر آرایه‌ها در منشآت بیشتر است، همچنین کاربرد آرایه‌های استعاره، مجاز و کنایه نیز در منشآت کمتر است؛ نتیجه کلی این است که قائم مقام بیشتر از نظر موسیقی درونی تحت تأثیر گلستان بوده است و در موسیقی معنوی تشابه کمتری میان دو اثر وجود دارد.

تاریخ دریافت: ۰۴ خرداد ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۰۶ تیر ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۱۸ تیر ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۰۸ شهریور ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

گلستان، منشآت، تشبیه،
استعاره، کنایه، مجاز.

* نویسنده مسئول:

h-ashouri@iau-tnb.ac.ir
(+۹۸ ۲۱) ۷۷۰۰۳۳۰۱



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A rhetorical comparative study of Gulistan of Sa'adi and Monsha'at of Qa'im Maqam Farahani

S. Eskandari, H. Ashouri *, M. Ouhadi

Department of Persian Language and Literature, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۲۵ May ۲۰۲۱

Reviewed: ۲۷ June ۲۰۲۱

Revised: ۰۹ July ۲۰۲۱

Accepted: ۳۰ August ۲۰۲۱

KEYWORDS

Gulistan, Monsha'at, simile, Metaphor, kenning, Trop.

*Corresponding Author

✉ h-ashouri@iaui-tnb.ac.ir

☎ (+۹۸ ۲۱) ۷۷۰۰۳۳۰۱

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Gulistan of Sa'adi is among the literary works which has always been noticed and imitated to a great extent due to its specific features of structure and content. These imitations are sometimes seen in the content and other times in the prose and structure of the later works coming after Sa'adi. Qa'im Maqam Farahani is a politician who has been quite familiar with Gulistan and has considered it while authorizing his Monsha'at. This research has been conducted having the following goals: realizing the depth of impact ability of Qa'im Maqam from spiritual music of Gulistan, comparing Gulistan and Monsha'at in the use of rhetorical figures, recognizing the similarities and differences in expression style of Sa'adi and Qa'im Maqam, and understanding the type of intertextuality.

METHODOLOGY: This research has been done in a descriptive-analytical manner. In order to do so, rhetorical figures containing: simile, metaphor, kenning, and trop are extracted and counted and then are analyzed and compared based on some drawn diagrams. The study area is the first hundred pages of Gulistan and Monsha'at.

FINDINGS: In this book of Qa'im Maqam, in addition to some of Sa'adi's expressions and poems, imitations of structural qualities of Gulistan can be also detected in the prose poem. Qa'im Maqam has mostly followed Sa'adi in terms of using figures of speech such as rhyming prose and monophony, but he has not pursued the expressive rhetorical figures used in Gulistan. The biggest difference between Sa'adi and Qa'im Maqam is in the use of kenning. kenning has a higher frequency in Gulistan than in Monsha'at. This is due to the thematic difference between the two works, which implies the speech to be clearer and leads the kenning of the speech to be more ambiguous.

CONCLUSION: Qa'im Maqam has consumed more extensive similes in comparison to Sa'adi. It also seems that he has used less metaphors but more similes in general than any other rhetorical figures in his own Monsha'at. Also, the use of metaphor, trop, and kenning is spotted less in Monsha'at. The general result is that Qa'im Maqam has been influenced by the internal music of Gulistan rather than its spiritual music.

DOI: [۱۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۷۳۷۴](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.15.7374)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۱۸	 ۰	 ۶

مقدمه

بازخوانی فرهنگ یکی از ضرورت‌های دوران ما است، نزدیک به صدوپنجاه سال است که جامعه ما از یک سو درگیر سنت و نو و از سوی دیگر گرفتار تقابل فرهنگ‌های خودی و غیرخودی است. بازخوانی، تمرین انتقاد است، چون هم اطلاع از مبانی گذشته و اکنون و کوشش برای فهم آنهاست و هم روش سنجیدن و گزینش و پذیرش آنهاست. گلستان سعدی از آثار قرن هفتم است که بعلاوه نثر فوق‌العاده که در عین سادگی مسجع و ملمع نیز هست و همچنین محتوای تعلیمی، در دوره خود و پس از آن مورد توجه گویندگان واقع شده است. به باور بسیاری، گلستان تأثیرگذارترین کتاب نثر در ادبیات فارسی است که در یک دیباچه و هشت باب به نثر مسجع (آهنگین) نوشته شده است. بیشتر نوشته‌های آن کوتاه و به شیوه داستانها و پنندهای اخلاقی است. سعدی این کتاب را تلویحاً به سعدبن ابوبکر زنگی ولیعهد جوان فارس تقدیم و ابراز امیدواری کرد که موردپسند وی واقع شود (سعدی شاعر عشق و زندگی، کاتوزیان: ص ۳۸-۵۱).

ویژگی مهم گلستان سعدی، در ارتباطات اجتماعی است که در حکایات و اشعار آن بچشم میخورد. سعدی در این اثر، رئالیسم اجتماعی را بنمایش میگذارد و در قالب حکایت به اندرز غیرمستقیم و گاه مستقیم میپردازد. وی از حکمایی است که بواسطه سفرهای فراوان تجربه‌های مهمی اندوخته و توشه عظیمی از اندوخته‌های خود را در کتاب گلستان بجا گذاشته است. در این کتاب اقشار مختلف جامعه اعم از شاه، وزیر، درباریان، فقرا، متمولین، کودکان، جوانان و پیران و صاحبان حرف گرد آمده و جوامع کامل تشکیل داده‌اند و سعدی برای آنان سخن میگوید. در این کتاب تصویر دقیقی از اوضاع دوران نقش شده است. همچنین سعدی با ذکر هر حکایتی در گلستان کوشیده است علاوه بر عرضه آموزه‌های خود، مهارت و چیره‌دستی خود را در شیوه‌های گوناگون ادبی به منصه ظهور برساند. برای نمونه، گفته شده سعدی با انشای حکایت جدال با مدعی قصد داشته «مقاله‌ای بنویسد که هم با شیوه داستان‌نویسی سازگار باشد و هم توانایی او را در فن مقاله‌نویسی به سیاق فارسی به اثبات رساند» (فن نثر در ادب پارسی، خطیبی: ص ۶۱۷).

قطعات کوتاهی که سعدی در ذیل حکایات گلستان می‌آورد، شعارهایی اجتماعی است که برای تمامی جوامع انسانی کاربرد دارد؛ بهمین دلیل است که سخنوران غربی وی را ستوده‌اند و او را متعلق به جمیع ملت‌ها و سخنانش را کاربردی می‌شمرند. جهان آرمانی وی تصویری از عزتمندی نوع انسان است و مقولاتی چون عدالت، واقع‌بینی و اعتدال‌گرایی اصول مهم اندیشه وی را تشکیل می‌دهد. بهمین دلیل اندیشمندان پس از وی، آگاهانه آثار وی را مدنظر قرار داده و بویژه از کتاب گلستان بهره‌ها گرفته‌اند. برای فهم بهتر جهان آرمانی سعدی میتوان به نوشته پروفیسور نوالحسن انصاری با عنوان «شیخ سعدی و تصور او از یک جامعه آرمانی (مدینه فاضله)» رجوع کرد. وی در این نوشتار تأکید میکند: «سعدی معتقد است که جامعه هرچند که کمال مطلوب و آرمانی باشد («مدینه فاضله» باشد) همواره دشمنانی خواهد داشت» (ذکر جمیل سعدی، انصاری، ج ۱: ص ۱۶۹ و ۱۷۰).

سبک سعدی سهل و ممتنع است یعنی زودفهم و دیرپاب که با همه سادگی نمیتوان دعوی مقابله با او داشت و هیچ سراینده‌ای نتوانسته سعدی شود؛ همان‌گونه که حافظ دیگر تکرار نخواهد شد. سبک سخن سعدی بر روانی و سلاست و جزالت استوار است. نثر وی آمیخته‌ای از نثر ساده و مصنوع و مسجع است و بهمین دلیل دارای جذبه خاصی است. به قول محمدجعفر محجوب اولین کسی است که در نثر ساده‌نویسی را با صنعتگری آمیخته بدون اینکه راه افراط و تفریط بیپیماید (سبک خراسانی در شعر فارسی، محجوب: ص ۳۲۵).

با توجه به مقوله بینامتنیت، گویندگان هر عصر از متون پیشین بهره گرفته‌اند گاه از نظر ساختار و گاه در محتوا

از آثار پیشین تقلید کرده‌اند. اندیشمندان اعصار پس از سعدی نیز با تأثیرپذیری از شکل و فرم گلستان حکایات پندآموز در قالب نثر مسجع آمیخته با نظم خلق کردند، دست‌کم ۶۴ اثر به تقلید از گلستان نگاشته شده است. یکی از این آثار منشآت قائم مقام فراهانی است. قائم مقام فراهانی (۱۱۹۳ق/۱۲۵۱ق) دبیر و منشی بافراست دوره قاجار است و اصلاحات زیادی در تشکیلات درباری ایجاد کرده است. از ویژگیهای او این است که نثر فارسی را از پیچ و خمها و عبارت‌پردازیهای زمان خود دور کرد و سبک او خیلی زود جای روش پیشین را گرفت (یادداشت‌هایی بر منشآت قائم مقام فراهانی، واعظ: ص ۱).

او از شیوه قدیم خیلی به دور افتاد و نثر ساده‌تر و زیباتری بوجود آورد و چون مقام رفیع دولتی داشت، دیگران نیز از سبک و شیوه او پیروی کردند و مراسلات متعدّد او مدتها سرمشق حسن عبارت بود (از صبا تا نیما، آیین‌پور: ص ۶۱). در دوره‌ای که نثر فارسی در حال انحطاط بود قائم مقام آن را بسمت سادگی و استواری کشاند و الگویی برای گویندگان بعدی شد. وی در منشآت، که مجموعه نامه‌های اوست از سبک نثر سعدی تبعیت کرده و نثری زیبا پدید آورده است. نثر قائم مقام «برخلاف اسلاف وی که پر از جمله‌ها و عبارتهای طویل و قرینه‌سازیهایی مکرر و سجعهای خسته‌کننده است، از جمله‌های کوتاه ترکیب شده و قرینه‌ها بندرت تکرار میشود» (قائم‌مقام‌نامه، دریاگشت: ص ۱۹۵). شمیسا در سبک‌شناسی نثر درباره قائم مقام مینویسد: «نثر او بسیار شیرین و آمیخته به شعر و ضرب‌المثلهای مردمی و عربیهای لطیف است. عبارت کوتاه و جاندار دارد که بعضاً موزون و مسجع است، مخصوصاً استفاده از مصطلحات مردمی به نثر او وجهه‌ای پویا و زنده داده است. در یک کلام قائم مقام سعدی عصر خود است» (سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ص ۲۸۲ و ۲۸۳).

در این مقاله نگارندگان درصدد هستند ابزارهای بیانی و بسامد آنها را در دو اثر گلستان و منشآت بررسی و مقایسه نمایند. قائم مقام فراهانی برخلاف سعدی به حکایت‌پردازی نیازی نداشته و نامه‌های حکومتی خود را به شیوه نثر گلستان نگاشته است. از نظر مضمون در این کتاب، ارتباطی با گلستان نمی‌بینیم و تنها شیوه نثر است که بصورت مسجع و بدون تکلف بیان شده است. وی قصد تقلید نداشته بنابراین تکلف نیز در کار خود نکرده است. نثر قائم مقام فاخر بوده و چون خطاب به افراد عالی‌جاه است از سلاست و استواری برخوردار است. در نامه‌ها جملات کوتاه هستند و فهم آنها ساده‌تر است. در این نوع نامه‌ها اغلب مباحث حکومتی مطرح شده است: «باری حالا که به این شدت دلاور و دلیر و صاحب شمشیرند، قدم‌رنجه کنند و با یاغی پنجه کنند و در قم مبارک در این باب افتخار شما صادر است و شما در هر باب مختار و قادر، والسلام علی مناتبع الهدی» (منشآت، قائم مقام: ص ۱۱۱).

ضرورت و سابقه پژوهش

در حوزه مقایسه کتاب منشآت با گلستان تنها یک پایان‌نامه و یک مقاله انجام گرفته است که بطور مختصر معرفی میشود:

«تأثیر سبکی و محتوایی گلستان در آثار مقلدان سعدی با تکیه بر منشآت قائم مقام فراهانی» سلیمی (۱۳۹۲) پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان. در این پایان‌نامه ضمن بررسی تأثیرپذیری سعدی از مقامات عربی، به مقایسه سبک نامه‌های قائم مقام با گلستان سعدی پرداخته شده است. وی در بیان تفاوت محتوایی این دو کتاب میگوید: قائم مقام تنها از سبک نثر سعدی پیروی کرده زیرا کتاب سعدی شامل حکایات اخلاقی و کتاب وی شامل نامه‌هایی با موضوعات سیاسی و مملکتی است. در این پژوهش مواردی همچون ترتیب

و تناسب، مراعات حال خواننده، تناسب نظم و نثر، اختصار و ایجاز، رعایت الفاظ و ویژگیهای ساختاری همچون تقدیم فعل، فصاحت و بلاغت و بسیاری ویژگیهای نحوی و بدیعی و بیانی بررسی شده است.

«مقایسه گلستان سعدی و منشآت قائم مقام در حوزه ساختار زبانی» شیروانی (۱۳۹۰) پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان. در این پایان‌نامه ضمن بررسی سطح زبانی و سطح نحوی گلستان سعدی و منشآت قائم مقام فراهانی، نگارنده کوشیده است به بررسی و تحلیل مصادیق سطح ادبی دو اثر مزبور نیز بپردازد. نگارنده به ذکر مصادیقی در سطح ادبی بسنده کرده، و تحلیل درخور توجهی را برای آنها ذکر نکرده است.

«مقایسه سبکی منشآت و گلستان سعدی» علامی و کیانیان (۱۳۸۹). در این مقاله، به وجوه مشابهت منشآت و گلستان اشاره شده و مواردی مانند سجع، ترصیع و موازنه، آیات و احادیث، اشعار، امثال و زبان زنده، بررسی شده و در نهایت نتایج به صورت نمودار نشان داده شده است.

بحث و بررسی

بحث تقلید از آثار ادبی در میان همه ملت‌ها وجود دارد و با مطالعه آثار اعصار گذشته و مقایسه آنها با آثاری که در طول قرون پدید آمده است، میتوان تأثیر نوشته‌های پیشین را مشاهده کرد. این نوع روابط بینامتنی امری طبیعی بوده و دراصل نیز جزو عناصر جدایی‌ناپذیر هر اثر هنری است. درواقع آثار هنری و همچنین ادبی در طول روزگار با تکیه بر یکدیگر تکامل مییابند و هر گوینده‌ای با استفاده از اثر گوینده قبلی کار تازه‌ای ارائه داده است که به نحوی مایه‌هایی از زیرمتن را میتوان در آن مشاهده کرد. براساس دیدگاه بینامتنی هر متنی از متنهای پیش از خود الگوبرداری کرده است و «فقط آدم اسطوره‌ای و بکلی تنها که با اولین سخن خود به دنیایی بکر و هنوز بیان‌ناشده نزدیک میشد میتوانست از این سمت‌گیری متقابل با سخن دیگر برکنار بماند» (منطق گفتگویی، تودوروف: ص ۱۲۶). در کتب فن دبیری و بلاغت، گونه‌ای به بینامتنیت اشاره شده است. در *قابوسنامه* گرفتن معنی و مضمون از دیگری به شرطی که در جایی دیگر و با رد گم کردن همراه باشد، مجاز دانسته شده است (قابوسنامه: ص ۱۹۲-۱۹۱). در *چهارمقاله* نیز رسیدن به کمال شاعری و نویسندگی منوط به مطالعه پیوسته آثار پیشینیان شده است (چهارمقاله: ص ۴۸-۴۷).

تقلید در فرهنگ ما به معنی پیروی کردن است و مقصود از آن پیروی از سبک قدما و اسلوب سخن آنهاست (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۳۹۵)؛ یعنی «نویسنده و گوینده‌ای شیوه گفتار گوینده و نویسنده دیگری را پیش گیرد و بر طریق و منوال او سخن گوید» (نقدادبی، زرین کوب، ج: ۱ ص ۱۱۳).

البته از نگاهی دیگر تقلید نوعی سرقت ادبی هم محسوب میشود؛ اما از نوع ساده و غیرافراطی است که انجام آن مجاز است. باوجوداینکه تقلید نقطه مقابل خلاقیت است، در دنیای ادب میتوان بسیاری از آثار تقلیدشده را دید که از اثر پیشین بهتر بوده و خلاقیت زیادی در آن پدید آمده است؛ ازاینرو تقلید خلاقانه در میان ادبا رایج و پسندیده است. اما «تقلید کورکورانه اصالت و وحدت شخصیت را بخطر می‌اندازد و خلاقیت را میزداید و در حکم خودکشی معنوی است» (پژوهش، آریانپور: ص ۲). شاعر و هر هنرمند دیگری برای آفرینش اثر از تشبیه و تقلید استفاده میکند بنابراین هر اثر هنری دارای سه وجه میتواند باشد: تقلید از هرچیزی همانگونه که هست، شکلی که بنظر میرسد، شکلی که باید باشد. در حالت سوم باید در آن مجاز و استعاره درنظر گرفته شود (نقد ادبی، زرینکوب، ج: ۱ ص ۲۵۹). تقلید ادبی غالباً از کارهایی صورت میگیرد که عموم مردم به آنها اقبال کرده و ارزش و اهمیت آنها آشکار است. سعدی دارای زبانی پخته و بسیار ساده و همه‌فهم است؛ بطوریکه بنظر میاید در قرن هفتم سعدی درست به همین زبان فعلی ما صحبت میکند، حال آنکه بیشتر گمان میرود زبان سعدی در زبان فارسی

تأثیر گذاشته و درواقع ماییم که به این زبان خو گرفته‌ایم؛ بنابراین میتوان گفت هیچ شاعر و نویسنده‌ای به اندازه سعدی بر زبان و طرز تعبیر و تحریر فارسی‌زبانان حکومت نداشته است و بقایای این نفوذ و تأثیر در نوشته‌های مردم پیداست. هنر سعدی را باید در چگونگی انتخاب واژگان و کاربرد آن جستجو کرد. به این معنی که کلمه‌ها خود به خود شاعرانه نیستند و هر کلمه‌ای را میتوان در شعر بکار برد؛ به شرط آنکه در متن مناسب جای گیرد. کار شاعر آفریدن این متن‌هاست (سعدی، موحد: ص ۱۱۴).

قائم مقام که همچون سعدی در دستگاه شاهان نفوذ دارد و نامه‌نگاریهایی از سوی او به افراد مختلف انجام میگیرد، از نظر نثر و نحوه نگارش نامه‌ها هنرمندی بخرج داده و اثر ادبی قابل تقدیر پدید آورده است. مجموعه رسائل و منشآت قائم مقام، که حاوی چند رساله و نامه‌های دوستانه و عهدنامه‌ها و وقفنامه است و محمودخان ملک الشعراء مقدمه‌ای بر آن نوشته، به اهتمام شاهزاده فرهادمیرزا در سال ۱۲۸۰ ه.ق در تهران چاپ شده است. قائم مقام پیش از همه مرد سیاست و عمل است و نویسندگی او نیز به ایجاب ضرورت کار بوده، نه از راه تفنن یا هنرنمایی؛ او نوشته‌های خود را غالباً سرسری و با عجله انشاء میکرده و قلم میزده است. قائم مقام به مقدار زیادی از عبارات متکلف و متصنع و مضامین پیچیده و تشبیهات بارد و نابجا کاسته و تا اندازه‌ای انشای خود را بخصوص در مراسلات خصوصی به سادگی و گفتار طبیعی نزدیک ساخته است. نثر او، برخلاف آثار اسلاف وی که پر از جمله‌ها و عبارتهای طولی و قرینه‌سازیهایی مکرر و سجعهای خسته‌کننده است، از جمله‌های کوتاه ترکیب شده و قرینه‌ها بندرت تکرار میشود. در تلفیق هر مزدوج دقت زیاد میکند و از سجعهای زیبایی که خاص سعدی در گلستان است، بهره‌مند میشود. از ذکر القاب و تعریفهای تملق‌آمیز حتی‌المقدور اجتناب می‌ورزد. به اشعار فارسی و عربی و آیات قرآنی و احادیث و اخبار که شیوه نویسندگان سابق است، خیلی کمتر از اسلاف خود تمسک می‌جوید و بسیار بجا و بموقع به آنها استشهاد میکند (از صبا تا نیما، آرین‌پور: ص ۶۵).

تحلیل داده‌ها

آرایه‌های بیانی تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز در این دو کتاب بررسی شده است که در این بخش با نمونه‌هایی از آنها به تحلیل می‌پردازیم. با توجه به اینکه تشبیه و استعاره دارای انواعی هستند، در بررسی آثار دو نوع تشبیه بلیغ اضافی و اسنادی تفکیک شده و سایر تشبیهات در یک گروه قرار گرفته‌اند. استعاره نیز در دو نوع کلی مصرحه و مکنیه بررسی میشود. نمودارها و شکل بسامد کلی چهار آرایه بیانی و نمودار تفکیکی انواع تشبیه و استعاره نشان داده میشود.

تشبیه در گلستان: تشبیه در گلستان سعدی نسبت به سایر آرایه‌های بیانی در مرتبه دوم قرار دارد و بسامد آن ۳۱ درصد است. سعدی بیشتر متمایل به تشبیه بلیغ اضافی است؛ بطوریکه این نوع تشبیه ۵۸ درصد از کل تشبیهات وی را شامل میشود و بطور کلی تشبیه بلیغ نسبت به سایر تشبیهات بسامد ۷۰ درصدی دارد. ازاینرو باید گفت زبان سعدی متمایل به ایجاز در سخن است و کمتر از تشبیهات غیربلیغ با ذکر ادات و وجه شبه استفاده کرده است. او در دیباجة گلستان که نمونه‌ای زیبا از نثر فاخر است تشبیهات بلیغ بسیاری بکار برده است: «باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده» (گلستان: ص ۳). «فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردی بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق دربر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده» (همان: ص ۴).

در ابواب نیز مواقعی که چیزی را توصیف میکند تشبیه بلیغ بکار میرسد مانند زمانی که چهره زیبای نوجوانی از طایفه دزدان را وصف میکند و چنین میگوید: «اتفاقاً در آن میان جوانی بود میوه عنفوان شبایش نورسیده و سبزه گلستان عذارش نودمیده» (همان: ص ۲۳).

در ابیات زیر نمونه‌هایی از تشبیه با ذکر ادات یا وجه شبه را میبینیم که بیشتر برای نقل حکایات و بصورت ساده بکار رفته‌اند؛ درحالیکه تشبیه بلیغ هنریت‌ر بوده و برای زیبایی سخن کاربرد دارد:

پسر چون پیل مست اندرآمد (همان: ص ۵۲):

دوران بقا چو باد صحرا بگذشت / تلخی و خوشی و زشت و زیبا بگذشت (همان: ص ۶۲)

در برابر چو گوسپند سلیم / در قفا همچو گرگ مردمخوار (همان، باب دوم گلستان: ص ۸۱)

بگفت احوال ما برق جهان است / دمی پیدا و دیگر دم نهان است (همان: ص ۸۷)

آنکه چون پسته دیدمش همه مغز / پوست بر پوست بود همچو پیاز (همان: ص ۹۶)

تشبیه در منشآت: تشبیه در منشآت دارای بسامد زیادی است و نسبت به سایر آرایه‌های بیانی ۴۷ درصد بسامد دارد که آمار بالایی است اما بدلیل اینکه منشآت اثری است که در قالب نامه‌های حکومتی نوشته شده، قائم مقام کمتر در بند تکلف و زیبایی بوده است؛ از اینرو بسامد تشبیهات بلیغ در نوشته وی مساوی با سایر تشبیهات است؛ بطوریکه تشبیه بلیغ اضافی ۲۷/۵ درصد بسامد دارد و کل تشبیهات بلیغ ۵۰ درصد. نمونه نحوه کاربردهای تشبیه که در زیر میبینیم نشان از نحوه کاربرد این آرایه است که در مواردی تقلید از سعدی نیز در آن بچشم میخورد.

«و باران رحمت بر خلق آن سامان ببارید» (منشآت: ص ۶).

عبارت زیر برگرفته از غزل سعدی است:

فراق یار که پیش تو برگ کاهی نیست / بیا و بر دل من بین که کوه الوند است (کلیات سعدی، غزل ۶۴، بیت ۱۱)
«فراق یار که پیش تو برگ کاهی نیست، بیا و بر دل بنده و جلایر بین که کوه الوند است البرز است و دماوند است» (منشآت: ص ۱۷).

این عبارت نیز از گلستان سعدی مایه گرفته است آنجا که میگوید: «دانا چون طلبه عطار است خاموش و هنرنمای» (گلستان: ص ۲۸۶).

«دیشب که به خانه آدم خان را صحن گلزار و کلبه را طلبه عطار دیدم» (منشآت: ص ۲۷).

در این نوع نوشته‌ها بینامتنیت از نوع تغییر و تبدیل بچشم میخورد. وی بخشی از سخن سعدی را برداشته و با متن خود پیوند زده است. بینامتنیت به دو بخش آشکار و پنهان تقسیم میشود. در بینامتنیت صریح حضور آشکار یک متن در متن دیگر مورد توجه قرار میگیرد از جمله نقل قولهای با ارجاع یا بی ارجاع. در بینامتنیت غیرصریح، حضور پنهان یک متن در متن دیگر مورد بررسی قرار میگیرد. سرقتهای ادبی-هنری را میتوان از اینگونه موارد شمرد. در بینامتنیت ضمنی، مرجع متن به دلایل ادبی معلوم نیست اما صریح هم نیست. مهمترین اشکال این نوع بینامتنیت، کنایات، اشارات، تلمیحات و... است. تنها کسانی که به متن اول آگاهی دارند، متوجه این بینامتنی میشوند (بررسی تطبیقی محورهای سه‌گانه بینامتنیت ژنت و بخشهایی از نظریه بلاغت اسلامی، صباغی: ص ۶۷-۶۲). این نوع بینامتنیت آشکار و صریح است و تقلید کاملاً در آن هویدا است؛ یعنی مؤلف قصد پنهان کردن آن را ندارد و در واقع نشان میدهد وی با نوشته‌های سعدی آشناست و از این طریق سواد خود را بیشتر به رخ میکشد.

در این کتاب نیز تشبیه بلیغ برای توصیفات هنری کاربرد دارد. مانند تشبیه شوق به شعله و او به گل بهشت: «تا مهر از سر نامه گرفتم شعله شوق سرکش شد» (منشآت: ص ۷). «او گل بهشت مخمر در آب حیوان است» (همان: ص ۱۷).

نمونه‌های دیگری را در این عبارات می‌بینیم که غالباً توصیفات است از ارتباط او با سایرین که در میان اخبار و گزارشات واقعی آمده است: «نامه نامی که مشکتر و نسخه خط دلبر بود در بهترین وقتی و خوشترین وجهی رسید» (همان: ص ۲۶).

«خوشا نواحی بغداد و جای فضل و هنر که موکب مسعود وقایع‌نگار چون نسیم باغ بهار بر آنجا خواهد گذشت» (همان: ص ۶).

«این نوکرک قرمساق خودم مثل علم یزید بر پا ایستاده، گویی ابريست که از پیش قمری نرود» (همان: ص ۵۷).

استعاره

استعاره بیشتر در زیباشناسی کاربرد دارد و در متونی چون گلستان و منشآت انتظار نمی‌رود فراوانی داشته باشد مگر در مواردی که اقتضای سخن ایجاب کند. در اینجا به بررسی این آرایه در دو اثر پرداخته می‌شود.

استعاره در گلستان: بسامد استعاره در میان این چهار آرایه در جایگاه سوم قرار دارد و تنها ۲۱ درصد است. از این مقدار ۱۶ درصد مربوط به استعاره مکنیه است. در مقایسه این دو نوع استعاره، استعاره مکنیه به مصرحه ۷۶ درصد است که زبان کنایی سعدی را نشان می‌دهد، بطوریکه در بخش کنایه خواهد آمد بسامد کنایه در گلستان فراوانی بیشتری دارد.

نمونه‌های استعاره

در این ابیات سعدی دنیا را تشبیه به دیواری نموده که نباید به آن تکیه داد. از طرف دیگر دنیا را همچون موجودی قاتل تصویر نموده که قادر به کشتن مردم است. همچنین جان را موجودی تصور نموده که می‌تواند از بدن بیرون برود. در اینجا منظور تعلیمی دارد و جنبه زیباشناسی و توصیف موردنظر نیست:

مکن تکیه بر ملک دنیا و پشت / که بسیار کس چون تو پرورد و کشت

چو آهنگ رفتن کند جان پاک / چه بر تخت مردن چه بر روی خاک (گلستان: ص ۱۸)

در این عبارات نیز تبار بعنوان درختی درنظر گرفته شده که ریشه دارد. این نوع بیانات به اقتضای سخن در محاورات نیز بکار می‌رود:

«نسل فساد اینان منقطع کردن و بیخ تبار ایشان برآوردن که آتش نشاندن و اخگر گذاشتن و افعی کشتن و بچه نگاه داشتن کار خردمندان نیست» (همان: ص ۲۳).

همچنین است در این ابیات که اجل موجودی تصویر شده که دست دارد و اعضای بدن نیز جاندار پنداشته شده و مورد خطاب هستند:

کوس رحلت بکوفت دست اجل / ای دو چشمم وداع سر بکنید

ای کف دست و ساعد و بازو / همه تودیع یکدگر بکنید (همان: ص ۳۱)

در این عبارت نیز فرش زمردی با استعاره مصرحه بجای گیاهان سبز بکار رفته است: «فرش باد صبا را گفته تا فرش زمردی بگسترده» (همان: ص ۵).

استعاره در منشآت: قائم مقام از استعاره چندان بهره نبرده و این آرایه در اثر او تنها ۲۲ درصد بسامد دارد و از

این مقدار نیز ۲۰ درصد مربوط به استعاره مکنیه است. وی در این عبارت نامه‌ای را که از شخصی عزیز رسیده چنین توصیف میکند: «قیمه کریمه بود یا قصیده فریده یا کاروان شکر از مصر به تبریز آمد» (منشآت: ص ۶۴). در این عبارات، دیده و دل صفحاتی فرض شده‌اند که نقش خیال دوست بر آنها حک شده است: «حاشا که از زمان مفارقت صوری تا حال یک نفس بی یاد شما گذشته یا نقش خیال و آرزوی وصال از دیده و و دل محو گشته باشد» (همان: ص ۲۷).

دامن سؤال، ابواب رحمت در عبارات زیر استعاره مکنیه است: «موسی را ... رسم و آیین چنین بود که هر وقت از حجت قوم بتنگ می‌آمد به طرزی بر دامن سوال چنگ میزد که گاهی برق جلالش میسوخت و گاه پاسخ عنایت میشنید» (همان: ص ۳۹). «ابواب رحمت کریمانه باز بود» (همان: ص ۴۱).

همچنین است، اسیر شدن تدبیر در پنجه تقدیر که استعاره مکنیه در مورد تدبیر و تقدیر بکار رفته است. چون دل که اسیر آمد در حلقه آن زلف تدبیر اسیر آمد در پنجه تقدیر (همان: ص ۵۱) در همه این موارد بیش از آنکه جنبه زیباشناسی مطرح باشد اقتضای سخن تعلیمی و حکمی است که استعاره را ایجاد نموده و توصیفی استتیکی بشمار نمی‌رود.

مجاز

مجاز از جمله آرایه‌هایی است که در بیانات روزمره نیز بطور طبیعی کاربرد دارد؛ ازاینرو فارغ از نگاه استتیک میتوان آن را بررسی نمود.

مجاز در گلستان: این آرایه بسامد ۱۳ درصدی دارد و اغلب از نوع کثرت است. بطوریکه اعداد یا واژگانی مؤید تعداد زیاد از چیزی در شعر یا عبارت ذکر میشود. مانند: طویله‌ای خر و هزار چشم: اسب تازی و گر ضعیف بود / همچنان از طویله‌ای خر به (گلستان: ص ۲۰) گر نبیند به روز شب‌پره چشم / چشمه آفتاب را چه گناه راست خواهی هزار چشم چنان / کور بهتر که آفتاب سیاه (همان: ص ۲۵) در مواردی نیز میتوان با در نظر گرفتن نسبتها به سخن مجازی پی برد مانند این بیت که نسبت موش و گربه و پلنگ را نشان میدهد که هر سه مجاز از موجوداتی در حد کوچک متوسط و بزرگ هستند: گربه شیر است در گرفتن موش / لیک موش است در مصاف پلنگ (همان: ص ۱۳)

مجاز در منشآت: این آرایه در منشآت چندان کاربردی ندارد و تنها ۹ درصد بسامد دارد. در عبارات زیر مجاز جزو از کل و قلت و کثرت دیده میشود. انامل مجاز از دست، است: «بستن پیمانهای شکسته موقوف به اشارت انامل فیض شامل بوده» (منشآت: ص ۶).

در این عبارات نیز، صد هزار مجاز کثرت و یک بزغاله مجاز قلت است: «سگشان صد هزار بار بر این دوستهای نادان منحوس... شرف دارد» (همان: ص ۷). «من به سر خودت از بس بدم شایسته صد هزار چندانم» (همان: ص ۱۷). «از روزی که حضرت ولیعهد روحی فدا به این مملکت وارد شده برسد و بپرسید اگر یک بزغاله از خراسان به خارج رفته باشد بنده را نطف بزیند و بسوزانید» (همان: ص ۷۷).

کنایه

کنایه از آرایه‌هایی است که بطور عادی در زبان جاری می‌شود و علاوه بر جنبه زیبایی، حکم ایجاز در سخن را دارد. پوشیده سخن گفتن از هنرهای گویندگانی است که بطور غیرمستقیم بر خواننده و مخاطب تأثیر می‌گذارد. در اینجا به بررسی این آرایه در دو اثر می‌پردازیم.

کنایه در گلستان: این آرایه در گلستان سعدی بسامد زیادی دارد و در میان آرایه‌های بیانی با بسامد ۳۵ درصد دیده می‌شود که از تشبیه و استعاره بیشتر است. کنایه‌های کاربردی وی از نوع رایج است و تشخیص آن مشکل نیست. در شعر زیر، گردن افراختن کنایه از گردنگشی کردن یا دعوی نمودن است:

هر که گردن به دعوی افرازد / خویشتن را به گردن اندازد (گلستان: ص ۱۳)

در عبارات زیر «از سر خون گذشتن» کنایه از بخشش و «روی درهم آوردن» کنایه از ناراحت شدن است:

«ملک را رحمت آمد و از سر خون او گذشت... ملک روی از این سخن درهم آورد» (همان: ص ۱۷)

در پوستین خلق افتادن در معنی غیبت کردن است که اکنون بکار نمی‌رود: «تو نیز اگر بختی به که در پوستین خلق افتی» (همان: ص ۸۴)

تشبیه مردان به زنان بدلیل عدم شجاعت، امروزه نیز رایج است. سعدی نیز از قول ملک‌زاده شجاع با سپاهیان این کنایه را بکار می‌برد که در معنی تحقیر بکار رفته و سپاه را به این وسیله تهییج می‌کند. جامه زنان پوشیدن کنایه از در جایگاه زنان قرار گرفتن است که برای مردان مایه ننگ است: «ای مردان بکوشید یا جامه زنان بپوشید» (همان: ص ۲۱).

ستاره بلند تافتن کنایه از بخت بلند است:

بالای سرش ز هوشمندی / میتافت ستاره بلندی (همان: ص ۲۲)

دست بر سینه بودن کنایه از خدمت کسی کردن:

به دست آهن تفته کردن خمیر / به از دست بر سینه پیش امیر (همان: ص ۶۸)

در بیت زیر نیز «دوبار در جایی دیده نشدن» کنایه از کاسی است که کارش را خوب انجام نمی‌دهد و مشتری ثابت ندارد. مطربی که صدا و آواز خوبی ندارد کسی برای بار دوم از وی دعوت نمی‌کند.

مطربی دور ازین خجسته‌سرای / کس دو بارش ندیده در یک جای (همان: ص ۹۹)

وفور کنایات در گلستان که اغلب در حکایات دیده می‌شود، لطف سخن سعدی را بیشتر نموده و وی را از مستقیم-گویی برحذر داشته ضمن اینکه کنایاتی آشنا و بدون تکلف بکار برده و فهم آن مشکلی ندارد.

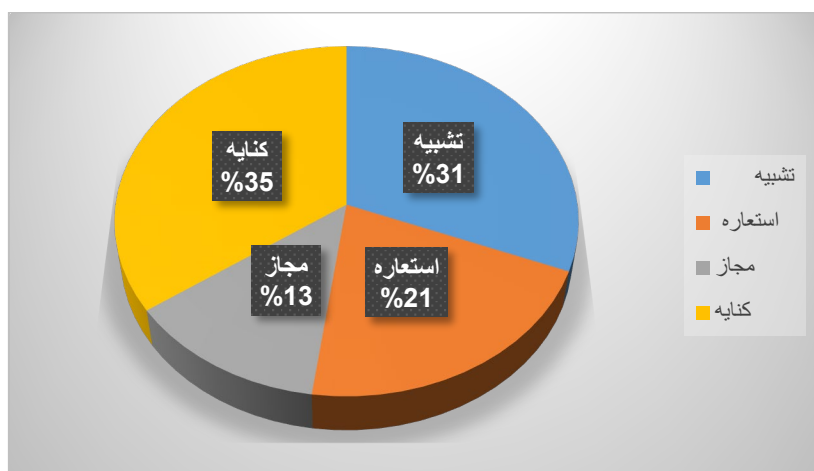
کنایه در منشآت: قائم مقام کمتر از سعدی از کنایه استفاده کرده است. این آرایه در منشآت ۲۲ درصد است که به اندازه کاربرد استعاره است. با توجه به اینکه استعاره‌های وی نیز از نوع مکنیه است میتوان گفت زبان او نیز همچون سعدی متمایل به پوشیده‌گویی است که البته اقتضای سخن نیز در نظر گرفته شده است. مانند عبارات زیر که درباره مسائل مملکتی صحبت می‌شود. آب بر روی کار آمدن کنایه از سروسامان گرفتن، تیغ جدال آخته شدن کنایه از درگرفتن جنگ است:

«وقت آن است که بار دیگر آبی بر روی کار آن حدود بیارید» (منشآت: ص ۶). «تیغ جدال بین المسلمین آخته نگرده» (همان: ص ۷).

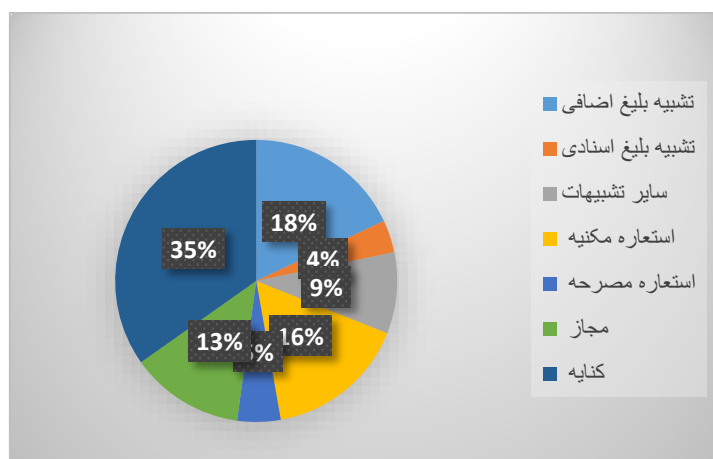
برخی کنایات را از فحوای سخن باید دریافت زیرا کنایاتی رایج نیستند مانند اینکه در توصیف شب چنین گفته است:

ز شب یک نیمه چون فرزند عمران دگر نیمه ز شب فرزند آذر (همان: ص ۱۹)
 همچنین است این مصراع که منظورش این است که در ذات او نیست:
 چیزی نخواستیم که در آب و گل تو نیست (همان: ص ۲۵).

نمودار ۱. بسامد آرایه‌های بیانی در گلستان سعدی
 الف. نمودار کلی: این نمودار نشان می‌دهد کنایه در میان آرایه‌های بیانی بسامد بیشتری دارد و درمقابل زبان مجازی چندان موردنظر سعدی نبوده است.

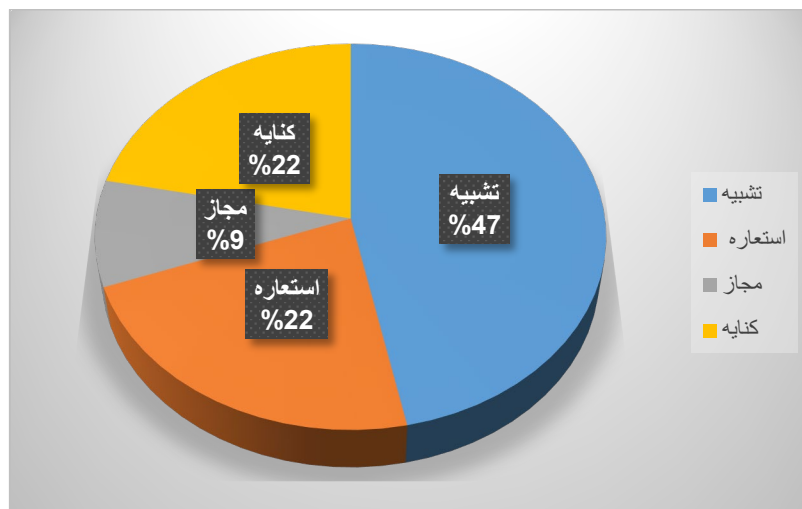


ب. نمودار تفکیکی: این نمودار زبان کنایی سعدی را آشکارتر نشان می‌دهد؛ زیرا استعاره مکنیه نیز بنوعی دارای زبانی رمزی است که جمع بسامد این دو در میان سایر آرایه‌ها بیشتر است.

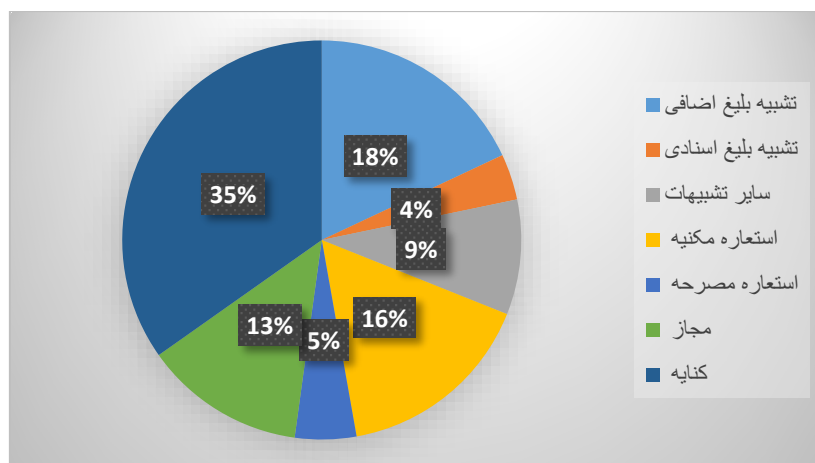


نمودار ۲. بسامد آرایه‌های بیانی در منشآت

الف. نمودار کلی: داده‌های نمودار نشانگر بسامد بالای تشبیه در برابر سایر آرایه‌هاست. کنایه و استعاره در یک سطح هستند و مجاز بسامد بسیار کمی دارد.

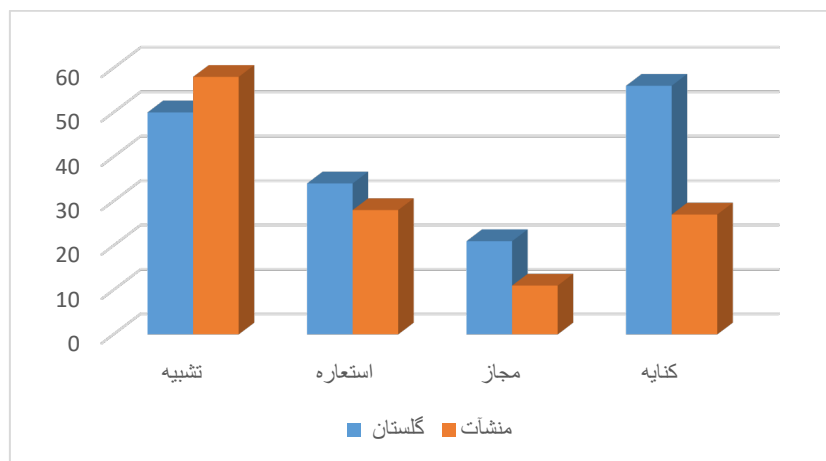


ب. نمودار تفکیکی: در این نمودار بسامد بالای استعاره مصرحه در برابر مکنیه و همچنین کنایه مشخص میشود، در نتیجه زبان قائم مقام بیشتر به صراحت گرایش دارد.

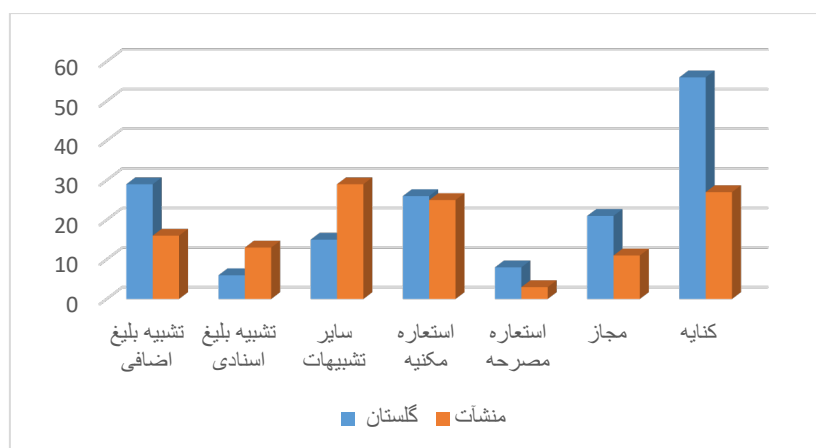


نمودار ۳. مقایسه بسامد آرایه‌های بیانی در گلستان و منشآت

الف. نمودار کلی: این نمودار مؤید شباهت تقریبی تشبیه و استعاره در گلستان و منشآت است. با این تفاوت که در منشآت تشبیه بسامد بالاتری از گلستان دارد و در گلستان استعاره بیشتر بسامد دارد ولی در مورد مجاز و کنایه هر دو مورد گلستان بسامد دوبرابری در برابر منشآت دارد.



ب. نمودار تفکیکی: این نمودار بیانگر این است که غیر از استعاره مکنیه که تقریباً بسامد یکسانی دارد، در سایر موارد اختلاف فراوان حدود ۵۰ درصدی میان دو گوینده است. در بخش تشبیه، بسامد بلیغ اضافی در گلستان بیشتر است ولی بلیغ اسنادی و سایر تشبیهات در منشآت دوبرابر بیشتر است. این نتیجه گستردگی و ساده‌تر بودن زبان تشبیهی قائم مقام را نشان می‌دهد.



نتیجه‌گیری

نمودار مقایسه‌ای این دو اثر نشان می‌دهد سعدی در کاربرد استعاره، مجاز و کنایه از قائم مقام پیشی گرفته و در عوض قائم مقام از تشبیهات بیشتری استفاده کرده است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد زبان سعدی بیشتر متمایل به پوشیده‌گویی و کنایه و ایجاز است ولی قائم مقام برای تبیین مطالب تشبیه را می‌پسندد و چنانکه در متن گفتیم کمتر از سعدی از تشبیه بلیغ استفاده نموده است. بیشترین اختلاف میان این دو، در کاربرد کنایه است که دلیل آن تفاوت موضوعی دو اثر است که ایجاب میکند سخن واضح‌تر باشد و کنایه سخن را بسمت ابهام

بیشتر میبرد. در مقایسه تفکیکی آرایه‌ها، در کاربرد تشبیه بلیغ اضافی، سعدی دارای بسامد بیشتری است ولی قائم مقام حدود دوبرابر از تشبیه بلیغ اسنادی و سایر تشبیهات استفاده نموده که حاکی از سادگی بیان او نسبت به سعدی است. نتیجه کلی این است که قائم مقام ضمن استفاده از برخی واژگان و ترکیبات و اشعار و عبارات سعدی، که نشانگر توجه وی به گلستان است، بیشتر از جهت کاربرد آرایه‌های لفظی مانند سجع و جناس از سعدی تبعیت نموده است ولی از آرایه‌های بیانی که در گلستان بکار رفته تبعیت نکرده است اما نحوه بیان وی و آوردن عباراتی با استفاده از علم بیان، با سخن سعدی همخوانی دارد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال استخراج شده است. سرکار خانم دکتر هنگامه آشوری راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم سپیده اسکندری به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر مهرانگیز اوحدی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال و هیئت داوران رساله که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Ansari, Noor Al-Hassan. (۱۹۸۵). Mention of Jamil Sa'adi, vol ۱. Tehran: Ministry of Islamic Guidance, pp. ۱۶۹-۱۷۰.
- Aryanpour, Amir Hossein. (۱۹۷۵). Research Methodology, Tehran: College of Fine Arts, p. ۲.
- Aryanpour, Yahya. (۱۹۹۳). From Saba to Nima, Tehran: Zavar, pp. ۶۱, ۶۵.
- Daryagasht, Mohammad Rasool. (۱۹۹۸). Qa'im Maqam nameh, Tehran: Endowments of Dr. Afshar Yazdi Mahmoud, p. ۱۹۵.

- Farahani, Qa'im maqam. (۱۹۸۷). Monsha'at, by Badr-Al-Din, Tehran: Sargh.
- Homaei, Jalaluddin. (۱۹۹۱). Rhetoric Techniques and Literary Device, Tehran: Amirkabir, p. ۳۹۵.
- Homakatouzian, MohammadAli. (۲۰۱۴). Sa'adi: The poet of life, love and compassion, Tehran: Markaz, pp. ۳۸-۵۱.
- Khatibi, Hossein. (۱۹۸۷). The art of prose in Persian literature, Tehran: Zavvar, p. ۶۱۷.
- Mahjub, MohammadJafar. (۱۹۹۶). Khorasani Style in Persian Poem, Tehran: Ferdos, p. ۳۲۵.
- Movahed, Ziya. (۱۹۹۵). Sa'adi, ۲nd ed, Tehran: Tarhe-no, p. ۱۱۴.
- Nizami-Aruzi-Samarqandi, Ahmad ibn Umar ibn Ali. (۱۹۶۴). Chahar maqala (Four Discourses), edited by Qazvini, Mohammad, by Moien, Mohammad, ۷th ed, Tehran: Ibn Sina library, pp. ۴۷-۷۸.
- Onsor Al Ma'ali, keikavus. (۱۹۹۴). Qabus-Nama, edited by Yousefi, Gholam Hossein, ۷th ed, Tehran: Elmifarhangi, pp. ۱۹۱-۱۹۲.
- Sa'adi Shirazi. (۲۰۰۶). Sa'adis Koliyat (Complete Works of Sa'adi), edited by Foroughi, Mohammad Ali, Tehran: Hermes.
- Sabaghi, A. (۲۰۱۲). Comparative Study of Three-dimension Intertextuality of Gennet and parts of Islamic Rhetoric Theory, *Literary Research*, pp. ۵۹-۷۲.
- Shamisa, Sirus. (۲۰۱۳). Stylistics of prose, ۲th ed, Tehran: Mitra, pp. ۲۸۲-۲۸۳.
- Todorov, Tzvetan. (۱۹۹۸). Mikhail Bakhtin: the dialogical principle, translated by Karimi, Daryush, Tehran: Markaz, p. ۱۲۶.
- Va'ez, S. (۲۰۰۵). Notes on Qa'im MaqamFarahanis Monsha'at, *Literary Text Research*, vol ۹, Issue ۲۳, pp. ۱-۲۶.
- Zarrinkoub, AbdolHossein. (۱۹۹۰). Literary Criticism, ۴th ed, Tehran: Amirkabir, pp. ۱۱۳, ۲۵۹.

فهرست منابع فارسی

- از صبا تا نیما، آراین پور، یحیی (۱۳۷۲). چاپ ۵، تهران: زوار.
- بررسی تطبیقی محورهای سه گانه بینامتنیت ژنت و بخشهایی از نظریه بلاغت اسلامی، صباغی، علی (۱۳۹۱). پژوهشهای ادبی، شماره ۳۸، ص ۵۹-۷۲.
- پژوهش، نقل از آیین تحقیق، آریانپور، امیرحسین (۱۳۵۴). تهران: دانشکده هنرهای زیبا.
- چهارمقاله، نظامی عروضی سمرقندی، احمدبن عمر بن علی (۱۳۴۳). تصحیح محمد قزوینی، به اهتمام مجدد محمد معین، چاپ هفتم، تهران: کتابخانه ابن سینا.
- ذکر جمیل سعدی، انصاری، نورالحسن (۱۳۶۴). جلد اول، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- سبک خراسانی در شعر فارسی، محبوب، محمدجعفر (۱۳۴۵). تهران: فردوس.
- سعدی شاعر عشق و زندگی، همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۳). تهران: مرکز.
- سعدی، موحد، ضیاء (۱۳۷۴). چاپ ۲، تهران: طرح نو.
- سبک شناسی نثر، شمیسا، سیروس (۱۳۹۲). چاپ ۲، تهران: میترا.

فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۰). تهران: امیرکبیر.

فن نثر در ادب پارسی، خطیبی، حسین (۱۳۶۶). تهران: زوار.

قائم‌مقام‌نامه، دریاگشت، محمدرسول (۱۳۷۷). تهران: موقوفات محمود افشار یزدی.

قابوسنامه، عنصرالمعالی، کیکاووس (۱۳۷۳). تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ هفتم، تهران: علمی و فرهنگی.

کلیات سعدی، سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵). تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: هرمس.

منشآت، قائم‌مقام فراهانی (۱۳۶۶). به کوشش بدرالدین، تهران: شرق.

منطق گفتگویی میخائیل باختین، تودوروف، تزوتان (۱۳۷۷). ترجمه داریوش کریمی، تهران: مرکز.

نقدادبی، زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹). چاپ ۴، تهران: امیرکبیر.

یادداشت‌هایی بر منشآت قائم‌مقام فراهانی، واعظ، سعید (۱۳۸۴). متن‌پژوهی ادبی، شماره ۳، صص ۲۶-۱.

معرفی نویسندگان

سپیده اسکندری: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: s.eskandari@iau-tnb.ac.ir)

هنگامه آشوری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: h-ashouri@iau-tnb.ac.ir: نویسنده مسئول)

مهرانگیز اوحادی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: m_owhadi@iau-tnb.ac.ir)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Sepideh Eskandari: PhD student, Department of Persian Language and Literature, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: s.eskandari@iau-tnb.ac.ir)

Hengameh Ashouri: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: h-ashouri@iau-tnb.ac.ir: Responsible author)

Mehrangiz Ouhadi: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: m_owhadi@iau-tnb.ac.ir)